

گزارش خبرنگارما «پیروز» از توکیو

چرا تیم کشتی مادر دوره نهائی شکست خورد

کشتی مهدیزاده و صنعتگران چگونه بودو چرا باختند

● **حریف ترك گسوی صنعتگران را میفشردواز تشك فرار میگردولی هیچ كس باو اخطار نمداد**

امروز برای ما كه لحظه‌ای از كار كشتی آزاد غافل نمیشدیم همه چیز تمام شده است . مدال طلا ، نقره ، برنز ، كرسی قهرمانی و آنچه‌علاقه‌ای كه برای پیروزی قهرمانان ایرانی بخرج میدادیم و از نه تل فریادمیگفتیم.دیم. همه چیز تمام شد و آتیا از آسباب پرچش و خروش سالن «كوماروا » افتاد .

من اصولاً دوست ندارم كه پیروزی كوچكی را بزرگ جلوه دهم و با شكستی را با هزاران دلیل و برهان غیر حقیقی پوشانم .

اتفاقا اینکه میگویم تاریخ تکرار میشود واقعا تکرار میشود . در بازی های ۱۹۶۰ رم هم وضع مشابهی داشتیم ، بنوره نهائی رسیدیم مثل این دوره قهرمانان ما برای آخرین دوره در روی تشك باقیماندند اما جلور ما موفق نشدیم و دیگران شاهد موفقیت را در آغوش فشردند موضوعی است بایستی مورد بحث قرار گیرو اگر بویژن و آب و خاکی كه در آن پرورش یافته‌ایم خودرا مدیون هداییم میبایستی لی پرده نقایص را بگوئیم و از نظر خصوصی و شخصی

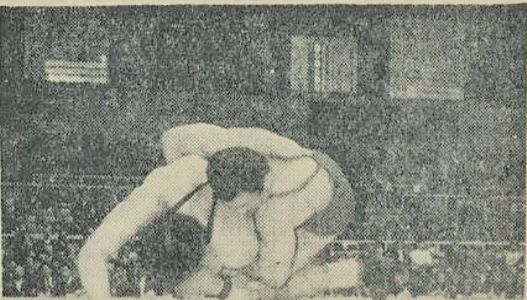
پیروز کنیم . متاسفانه در ورزش ما وضع بخوی است كه نظر شخصیو نفع پرستی در كار آن خیلی از ناسامانپیا را بوجوئ آورده است كه بایستی كوشید و آنرا مرتفع ساخت

اجازه بدهید وارد موضوع شوم . ایران برای المپك ۱۹۶۴ – توکیو از المپاد های ۱۹۴۸ لندن ۱۹۵۳ هلسینگی ، ۱۹۵۶ ملبورن ، ۱۹۶۰ رم و ژوشكاردو قهرمان بیشتری اعزام داشت .

● تیم كشتی آزادایران

تیم ما خیلی زیادت از آنچه لازم بود مورد مراقبت قرار گرفت ،مسابقه های انتخابی ، اردوی مناسب وحتی زیادت از مدت قانونی (۳۱روز) پس تیمی كه قهرمانان آن عناوینی دارند تمرین میکنندو در اردو بسر می‌برند و از آنان مراقبت مشود تیمی است كه میبایست روی آن حساب كرد . برویچه‌های ما از نظر فو قدرت خوب و شایان توجهند ولی آنچه سبب

فرو آمادگی بدنی نیست . در جوار پیروزی و موفقیت مگردن تنهافدوت این دوعامل يك‌عامل بزرگ دیگروجود



موحد در حالیکه باخت نداشت از جدول خارج شد

او چهار كشتی‌را با امتیاز بردوتنها در يك كشتی با «براند» آمریکائی مساوی كرد . ولی بروی كرسی قهرمانی نرفت . اگر قهرمانی بگوئد كه من پنج كشتی گرفتم قهرمان‌اول و دوم را شكست دادم و با قهرمان سوم مساوی كردم اما قهرمان نشدم چطور ممكن است منطبق او را پذیرفت اما هم میهان ما بایستی ازمهدی زاده پذیرند كه او چنین كرده‌است از مهدیزاده بدتر وضع صنعتگران بود .

صنعتگران در هفت مسابقه چنین بود :

« مارتین رنیز » از آلمان –«واتا نابه » از ژاپن ، «باجكو»ازمجارستان «ورمنچف » از بلغار را با امتیاز شكست داد . با «ساكاراذه» از شوروی مساوی كروو بلافاصله پس از نیمساعت استراحت باواغان از تركه روبرو شد . واغان فقط يك كشتی میگرفت در صورتیکهصنعت-كاران ده دقیقه با قهرمانی چون «ساكاراذه» مبارزه سنگینی كرده بود . اینسكه توضیح دادم ژنودند در كادر مسابقه‌های كشتی بین‌المللی هشاری میخواهد ، بیداری لازم‌دارد و حداقل آشنا بودن يك زبان‌خارجی ضروری است این است كه عرض میكنم :

«اوغان» در پنج دقیقه اول دربرابر صنعتگران برای يك یا دوبار زیر رفت كه صنعتگران زدكرد . در ه دقیقه اول مساوی بودند ولی در پنج دقیقه دوم هرچه قهرمان ایرانی برای اجرای فن میرفت واغان از تشك فرار ميكرد و روی ژنودند داوران اخطار میدادند ، برای اینکه چهار داور تركوشخصی بنام توهی‌امره» كه عضو و رئیس كمیته فنی فدراسیون كشتی است با همه دم‌خور است و نفوذ دارد . همه وافقی‌هستندكه كشتی واغان حداقل دو اخطار لازم داشتو

كرد. طفلک مهدیزاده با اینکه دو قهرمان جهان را برده اما چون اغلب كشتی‌هایش را با امتیاز تمام كرده و برای هر برد با امتیاز، يك امتیاز منفی در نظر گرفته شده، از جدول خارج شده است. بدتر از او موحد است كه بدون باخت از جدول بازی‌ها كنار رفته است! این روزنامه در یادداشت اصلی صفحه دو خود درباره بازتاب‌های المپیک توکیو نوشت: «این روزها مردم در خیابان جمع شده‌اند و بحث می‌کنند كه کی ضربه شد؟ کی ضربه كرد؟ کدام تیم برد و کدام تیم باخت؟ یادداشت‌نویس اعلام كرده كه خیلی‌ها از این رقابت‌ها به عنوان مسابقات المپیک نام می‌برند در حالی كه غلط است و باید بازی‌های المپیک گفته شود.» این روزنامه در تحلیل شكست‌های كشتی نوشته است: «ما باید بیش از حرف زدن به كار بپردازیم و قهرمانان خود را عادت دهیم كه تمرین مداوم و مرتب داشته باشند. مهدیزاده قهرمان ما در وزن ششم تنها دو سه ماه مانده به المپیک تمرینات خود را شروع كرد. تختی فقط از دو ماه تمرین برخوردار بود. فدراسیون كشتی دائم در معرض تغییرات است. توطئه‌چینی و دست‌بندی پیوسته كار فدراسیون را در



شكست كاروان ایران به ویژه در رشته كشتی

چنان سر و صدا راه انداخته كه اطلاعات ۲۸

مهر از برخی مربیان ایرانی پیشنهاد داد كه باید

سمیناری برای بررسی دلایل شكست تشكيل

شود. این روزنامه درباره بازگشت تختی از توکیو

اینگونه نوشت: «دیشب آقای تختی قهرمان

كشتی به اتفاق ۵ نفر از شركت كنندگان در

المپيك توکیو (پاك اندام بوكس، شنجانی و

فصیحی شنا و شیرجه، كلانی تیراندازی و جلاير

وزنه‌برداری) به تهران بازگشتند.»

«آن لحظه كه وطنم را دیدم. خاطره‌ها را به یاد آوردم. كوه‌ها و رودها و قیافه‌های آشنا با من حرف می‌زدند و پرچم وطنم در استادیوم شهر باستانی رم به اهتزاز در آمده بود.»

او خطاب به دختران و زنان ایران گفت: «از قول من بگویید برای آزاد ساختن همه زنان جهان نیازمند به كار هستیم تا نشان دهیم چقدر مستعد و آماده‌ایم.»

اطلاعات در همین صفحه خبری‌اش از كشتی نیز نوشته است: «بعجه‌ها همه با پیروزی به پیش می‌روند. مهدیزاده و دون براند كه هر دو از امیدهای طلا هستند امروز به مدت ده دقیقه با یکدیگر نبرد كردند بی آنكه هیچ‌كدام بتوانند امتیازی به دست بیاورند.» روزنامه اطلاعات دو روز بعد در گزارش‌هایی از توکیو در صفحه اولش خبرهای بدی درباره كشتی داد. خبرهایی كه دست و بال مردم را سرد كرد: «تختی و مهدیزاده در حالی كه قهرمانان جهان را شكست داده‌اند از جدول حذف شده‌اند. آن روزها قوانین كشتی چنان مضحك بود كه برای هر شكست با ضربه فنی ۴ امتیاز بد، برای هر باخت با امتیاز، ۳ امتیاز بد، برای هر مساوی دو امتیاز بد و برای هر برد با امتیاز، يك امتیاز بد منظور داشته می‌شد كه بعدها نام امتیاز بد به امتیاز منفی تغییر

ویژه‌نامه آخر هفته

پرونده هفته

10

چند روز بعد از بازگشت كاروان، سرگرد آهنگی رئیس فدراسیون كشتی كه از نتایج ضعیف تیم ملی به شدت تحت فشار بود به اطلاعات سوم آبان ۴۳ گفته كه اگر فكری به حال ورزش كشتی نشود از هند و كره هم عقب می‌افتد. چرا مهدیزاده، صنعتكاران و موحد كه به هیچ‌كس نباختند نتوانستند مدال طلا بگیرند؟ آهنگی گفته: «تا اندازه‌ای بنده و پشتیبانان من مقصرند. موفقیت یوكوهاما باعث شد ما دیگر خود را سلطان مطلق كشتی جهان تلقی كنیم و به فكر رهبری تیم در این مسابقات نباشیم. من از وهبی امره نماینده تركیه در فدراسیون بین‌المللی كشتی شنیدم كه گفت این من و داوران بودیم كه برای تركیه كشتی گرفتیم نه كشتی‌گیران.» آهنگی گفت مسئولین سه تشك كشتی از سوی وهبی امره انتخاب شده بودند و نیز ۲۶ داور ژاپنی برای این مسابقات گزینش شده بودند كه معمولاً در هر كشتی حضور داشتند در حالی كه ژاپن یكی از حریفان سرسخت ما بود.» آن روزها وقتی انتقادات ایران از حق‌كشی‌های فدراسیون جهانی بالا رفت و در رسانه‌ها منعكس شد روژه كولن رئیس فیلا در پاسخ به آنها گفت: «این ادعاها واقعا دور از حقیقت است. باید اسپرتمن بود و با شجاعت حقایق را گفت. به عقیده من تیم ایران پیر بود و مراحل آماده‌سازی و تمرین را نیز به درستی طی نكرده بود. دلیل ادعای من نیز آن است كه كشتی‌گیران ایران در دورهای ابتدایی همانند كشتی‌گیران شوروی خوب درخشیدند اما در دورهای نهایی با افت مواجه شدند. درست بر عكس تركیه، بلغارستان و به ویژه ژاپن كه هر چه از آغاز تورنمنت بیشتر سپری شد به فرم بهتری دست یافتند.» كیهان ورزشی درباره احقاق حق محمدرعلی صنعتكاران نوشت: «مسئولان ما اشاره دارند كه در توکیو زد و بند بوده و حق‌كشی، به ویژه در كشتی صنعتكاران با اوغان، تضییع حق كشتی‌گیر ایران مشهودتر بوده. چنانچه اگر يك اخطار به اوغان داده می‌شد رنگ مدال برنز صنعتكاران با طلا تعویض می‌شد اما جان سخن اینجاست كه اگر زد و بند دیگران را به ضرر ایران قبول داشته باشیم بلافاصله این سؤال مطرح می‌شود كه چرا يك تن از مسئولین اعزامی آنجا حاضر نبود تا نسبت به تضییع حق كشتی‌گیر ایرانی اعتراض نماید؟ برای این چرا دلایل زیادی موجود است. یكی از آنها این است كه رئیس سازمان تربیت‌بدنی و رئیس فدراسیون كشتی، هر دو سرگرم مبارزه انتخاباتی برای ورود به فدراسیون جهانی بودند و به جزئیات و موارد اینچنینی كمتر توجه داشته‌اند و از سوی دیگر قصد نداشتند با طرح اعتراض خود شانس حضورشان را در يك كرسی جهانی از دست بدهند و این شانس بزرگ را كه به ایران روی آورده بود ناشیانه پیاپمال نمایند! هنگامی كه صدای اعتراض شدید ایرانیان و مطبوعات و پاسخ مسئولان از مرزهای كشور گذشت و به توکیو رسید رئیس فدراسیون جهانی برآشف‌ت و خشمناك در بلندگوی ضبط صوت خبرنگار اعزامی كیهان اظهار تأسف كرد. به ویژه از اینکه چرا نمك خورده و اینقدر زود نمك‌دان را شكسته‌اند!»

مشعل هجدهمین دوره المپیک در حالی خاموش شد كه ۷۵ هزار تماشاگر با دستمال‌های سفید در دست زیر باران با فریاد سایانورا سایانورا (خداحافظ خداحافظ) شعار وعده دیدار در ۱۹۶۸ مكزیک سر می‌دادند. در مراسم اختتام فقط این پرچمداران كشورها بودند كه از مقابل امپراتور هیروهیتو و همسرش رژه رفتند. ستاره این مراسم دون شولاندر شناگر ۱۸ ساله آمریکایی بود كه ۴ طلا گرفته بود و پرچمدار كشورش بود. حالا كاروان شكست خورده ایران در توکیو در حالی كه فقط ۴ ورزشكار زن به همراه داشت به فكر بازگشت افتاده بود. در ژیمناست جمیله سروری، در دوومیدانی نازی بیات‌ماكو، در پرش ارتفاع سیمین صفامهر و در دوی صدمتر و پرش طول ژولیت گوركیان تجربه المپیکی كسب كرده بودند. جمیله آن روزها فقط ۱۳ سالش بود كه چشمش به جمال المپیک آشنا شد. اواز چندماه مانده به المپیک زیر نظر مربی چك خانم ویرا تمرین كرد. در آن روزها ژاپن هیچ محدودیتی سنی برای شركت‌كنندگان نگذاشته بود و جمیله آنقدر كوچك بود كه فویبا گرفته بود. ژاپنی‌ها اما آنقدر مهربان بودند كه وقتی فهمیدند ژیمناست نوناهل ایرانی مربی ندارد يك مربی اهل توکیو برایش تدارك دیدند. حتی زنان ژاپنی برای جمیله تا دم هتل هدیه می‌آوردند. هدیه‌های پیچیده شده در بقیچه‌های سنتی ژاپنی كه معمولاً عروسك سنتی بود. جمیله در روزهای اول بازی‌ها از دیدن حریفان بزرگسال آنقدر می‌ترسید و شوكه می‌شد كه به هتل می‌گریخت. آنقدر اضطراب داشت كه سه روز در درمانگاه بستری شد و مربی ژاپنی آنقدر به او روحیه و دل‌داری داد كه حاضر به مسابقه شد. برخلاف ژاپنی‌ها كه او را هنگام مسابقه تشویق می‌كردند برخی از هموطنانش به او تيكه می‌انداختند كه دخترجون وقتی می‌دانستی كه از حریفان‌ت می‌ترسی اصلاً برای چه به المپیک آمدی؟ آن روزها جمیله هر وقت تختی را می‌دید محو هیبت و چشمان مهربان او می‌شد. گاهی به دست‌هایش نگاه می‌كرد كه واى چقدر بزرگ است ماشاء‌الله و دست‌های كودكانه خودش را با آنها مقایسه می‌كرد كه چقدر عروسكى و كوچك است. تختی چنان سر به زیر بود كه به زن‌ها نگاه نمی‌كرد و جمیله آنقدر كوچك بود كه رویش نمی‌شد برود نزدیکی‌اش و بگوید يك عكس باهم بیندازیم پهلوان؟ حالا در كاروان ۲۰۲۱ ایران آیا یكدانه تختی دیده می‌شود؟

9

روزنامه اطلاعات كه خبرهای توکیو را پوشش می‌داد روز ۲۰ مهر ۱۳۴۳ درباره استقبال مردم كشور میزبان از این بازی‌ها نوشت: «سیل مردم ژاپن به طرف توکیو

سرازیر است و قطارها در حالی كه مردم

به در و دیوار آنها آویخته‌اند وارد پایتخت ژاپن می‌شوند. در

ایستگاه‌های قطار بزرگترین شهر چنان هیاهویی برپاست كه قطعاً در هیچ كجا سابقه نداشته است. در این میان مأموران اداره هواشناسی حاضر نیستند خود را دم چك مردم و خبرنگاران بیندازند چون می‌دانند كه اگر خبر از هوای نامساعد بدهند با سیل اعتراض روبه‌رو می‌شوند. گویی كه آنها مسئول خرابی هوا هستند و اگر پیش‌بینی آنها غلط از آب دربیاید باید در برابر سیل تمسخرها و اعتراض‌ها ایستادگی نمایند و این كار مشكلí است.»

آن روزها ژاپن با مشكلی بزرگ و پیش‌بینی نشده به نام كم آبی مواجه بود اما توانست از عهده مدیریت آن بری‌یابد: «برای رفع این معطل، شهردار توکیو و مسئولان برگزار كننده به سرعت حفر تعداد كثیری چاه آب را جهت جبران مشكل كم آبی در دستور كار خویش قرار دادند. البته این مشكل به جهت كاهش غیرمنتظره بارش باران در فصل بهار و جمعیت بالای شهر توکیو پیش آمده بود و در نتیجه منابع آب شیرین و تصفیه شده در توکیو رو به كاهش نهاده بود اما مسئولان ژاپنی با سرعت و هوشمندی بسیار، بحران پیش آمده را مدیریت نمودند و در فاصله يك ماه به آغاز بازی‌ها با تدابیری همانند جیره‌بندی و تشویق مردم به صرفه‌جویی در آب تصفیه شده، شرایط را كنترل نمودند. از دیگر اقدامات ژاپنی‌ها برای جبران مشكل كمبود آب توکیو، حفر و ایجاد دو كنال جدید آب به داخل شهر از رودخانه مجاور بود كه يك حركت موفقیت‌آمیز و سریع به حساب می‌آمد.

اطلاعات در همین شماره به قلم پیروز كه اسم مستعار خبرنگارش است گزارشی توصیفی از وضعیت توکیو فرستاده است كه خواندنی است: «باران از روز پیش شروع شده و قیافه‌ها را در هم ریخته. جلوی پرس هوس (خانه مطبوعات) جنجالی به پا شده. آنها كه آدم‌های اهل پیش‌بینی بوده‌اند بارانی‌ها را پوشیده و از لختی و بی‌پناهی گروهی دیگر لذت می‌برند. از پرس هوس دور می‌شوم و به باران توجهی ندارم. دختران چشم سیاه ژاپنی با چترهای رنگین و زیبا از كنارم رد می‌شوند و به رویم لبخند می‌زنند. آنچنان لبخندی كه صاحبخانه همیشه به روی میهمان تازه از را رسیده‌اش می‌زند. تصمیم می‌گیرم كه پرسه بزنم و قدری در شهر گردش كنم. تنهایی دردی است كشنده. به خانه مطبوعات می‌روم و از یكی از همكارانم تقاضا می‌كنم مرا همراهی كند. خوشبختانه تقاضای مرا می‌پذیرد و چون آدم سفر كرده‌ای است دوربینش را هم مجھےز می‌كند. باران كولاك می‌كند ولی بی‌توجهیم. از خیابان گینزا می‌گذریم. خیابانی كه نمونه زیبایی و عظمت است (به نوشته اطلاعات گران‌ترین زمین‌های جهان در این خیابان قرار داشت. متری ۵۶ هزار تومان. در حالی كه زمین‌های مرغوب در تهران آن روزها را از قرار متری ۵۶ ریال هم می‌شد خرید!) به در بزرگ يك فروشگاه می‌رسیم. پشت وپنجرن هر چه وجود دارد مربوط به المپيك است. روسری‌های زنانه. دستمال. قاشق. زیرسیگاری. دوچرخه. از سنجاق تا اتومبیل. قیافه آشنایی را می‌بینم. قد بلند. موهای طلایی. گونه‌های فرورفته. با خود فكر می‌كنم كه كجا